روه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی

محمد آشوری

استاد گروه حقوق جری و جرم شناسی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی تهران

محمدعلی بهمنی قاجار

کارشناس ارشد حقوق بشر دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران


چکیده:
"کمیته حقوق بشر" به عنوان مرکز تأکید بر اجرای مبادل بین/مللی حقوق مدنی و سیاسی از "حق آزادی و امنیت شخصی" به عنوان مثال بین/مللی حقوق مدنی و سیاسی (1976) به رسمیت شناخته شده و از جمله مهم‌ترین حقوق بشری به شمار می‌آید. همایش ویژه به عمل آورده است. بر اساس روابط کمیته حقوق بشر مستقل در زمینه حفظ آزادی و امنیت شخصی، فقط محدود به حق آزادی شخصی تعریف می‌کند که "امنیت شخصی" نیز از مفهومی توسط مستقل برخورداری می‌باشد. به این حال، حق خارج از حوزه "سکب آزادی شخصی" نیز قابل بررسی است. علاوه بر این، نظر به اینکه حق آزادی و امنیت شخصی از مصادری مانند حق آگاهی از دلایل دستگیری و نحوه اتهام و نیز حق حضور ثبیتی تبدیل می‌شود. در مورد قرار گرفتن کمیته در زمینه تخصیص خود، دقت خصوصیات حقوق باد شده را تشخیص گرفته است. در این نظریه در راستای شناخت بهتر از حق آزادی و امنیت شخصی و ابعاد گوناگون آن روابط کمیته حقوق بشر در مورد حق آزادی و امنیت شخصی و تلقیه آن بررسی می‌گردد.

واژگان کلیدی:
کمیته حقوق بشر - کمیسیون اروپایی (سابق) حقوق بشر - دوباره اروپایی حقوق بشر - حق آزادی و امنیت شخصی - مفهومی مستقل از حق امنیت شخصی - تعیین اتهام - دادستان - قرار.

Email: ashouri-mohammad@yahoo.com

فاکس: 09096749796

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایین این مقاله نگاه کنید.
به‌شکل‌گفتار
حق «آزادی و امنیت شخصی» یکی از مبادلات حقوق بشر است که در ماده 14 اعلامه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) مصوب 1948 ماده 9 میاناق (International covenant on civil and political rights) مصوب 1966 و ماده 5 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (convention for the protection of human rights and fundamental freedoms) مصوب 1950 مورد تأکید قرار گرفته است. حق آزادی و امنیت شخصی به‌دنبال معاونت که هر فردی در پناه قانون و موازین حقوق بشری حق دارد نا، از آزادی و امنیت بهره‌مند بود. در این حالتی که هر گونه تهدید خودسرانه آزادی و امنیت شخصی ممنوع بوده و ساب آزادی نیز امکان استحکام است که تا آن زمان عفونت صلح قضایی و مستند به آنی در کلید با رعایت موازینی که از احترام به فرضیات و اصل آزاد بودن افراد ناشری می‌شود. امکان‌بخش می‌گردد. همان‌گونه که گفته شد اهمیت مصادف حق آزادی و امنیت شخصی در ماده 9 میاناق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در بهداشت منجر گانه آن مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در ماده 9 میاناق، در وهله اول حق حرف کس به به‌هم‌مدیدی از آزادی و امنیت شخصی تأکید شده و به دنبال آن تأکید بر ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی، حق منع به آگاهی از دلایل دستگیری و نوع اتهام، حضور فوری مهم بند مرجع قضایی است. استاندارد بودن بیان‌شده و حقوق خانواده آزادی و حق جریان مختار هرکه که به طور غیر قانونی دستگیری بیان‌شده را نهادی، نصیری شده است. همین دلتهایی که به‌رنگ استفاده از حق تحقیق به میاناق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی متعلق به شدگان، موفق به اجرای کلیه مفاد میاناق و از جمله ماده 9 آن هستند. به منظور نظارت بر تعداده دولت‌های عضو میاناق و نیز در راستای ترویج مفاد این سند بین‌المللی و بر اساس ماده 28 آن، کمیته حقوق بشر مستقل در زمینه شکایت شده است. این کمیته بر مبانی موارد 50 تا 60 ماده مذکور وظیفه از جمله مطالعه گزارش‌های دولت‌های عضو در مورد اجزای تعهداتشان، ندوزه گزارش در مورد عملکرد دولت‌ها و نیز ارزان ملاحظاتی درباره مفاد میاناق را عهده‌دار است. افزون بر وظایف داد شده، کمیته حقوق بشر بر اساس ماده 2 پروتکل اختیاری میاناق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب 1966) به شکایات فردی عليه دولت‌هایی که به این پروتکل ملحق شده‌اند، با در نظر گرفتن مقررات پروتکل یاد شده، رشیدگی می‌نماید. عفالت‌های کمیته حقوق بشر صرف نظر از اینکه برای یافتن عملی مفاد میاناق و به‌پایان دیگر در چارچوب نظارت بر اجراء و ترویج حقوق بشر تاپیرگذار است در توسعه مفاهیم حقوق بشری نیز سعی دارد بوده است. به عبارت دیگر، کمیته حقوق بشر در دیدگاه‌ها و نیز در تفسیر کلی و گزارش‌های خود با
گسترده‌گی پیشتری نسبت به متعاقب میاناق، حقوق مدرج در این سند بنی‌المللی را تشریح کرد.

است. از این رو برای فهم صحیح و کامل‌تر از مفاهیم بنی‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
بررسی اساسی کمیته حقوق بشر ضرورت دارد. چنین است که نظرات کمیته حقوق بشر در
خصوص حق آزادی و امنیت شخصی برای فهم بهتر و کامل‌تر مفاهیم بنی‌المللی حقوق
مدنی و سیاسی یاری می‌رساند. بودن علاوه بر این، استفاده از نظرات کمیته حقوق
بشر درخصوص حق آزادی و امنیت شخصی می‌تواند در اطلاعیه‌های چه بیشتر موثران حقوق
کفیفی داخلی با فواصل حقوقی نیز تأثیرگذار باشد.

با نوجه به مطالبی که بیان شد، در این نوشته سعی بر آن است تا بهره‌گیری از نظرات
کمیته حقوق بشر و نیز تفسیر کلی شماره 8 آن با نگاهی به ویژگی‌های استراتاسپورک (کمپنی‌های بانک دانلی و اربیا حقوق بشر)، روحیه کمیته حقوق بشر در حمایت
از حق آزادی و امنیت شخصی در سه فناوری مورد بررسی قرار گیرد. ضمن اینکه از مواردی
اساس ضرورت از حقوق داخلی کشورهای: کانادا، فرانسه و اینتیالا نیز در راستای نیل به
نخست‌خانه بشر از ابعاد حق آزادی و امنیت شخصی بهره‌گیری شده است. این برهگیری از
آنچه بوده که زمینه‌هایی که منجر به ارائه نظرات کمیته حقوق بشر مورد است نیز مورد
بررسی قرار گیرد.

در اینجا همچنین لازم به ذکر است که در نوشته حاضر فرضت پرداخته به روحیه کمیته
حقوق بشر در خصوص همه مصاديق حق آزادی و امنیت شخصی وجود دارد، از این رو
فقط اهم‌ترین معادلات حق انسان شده که دیدگاه‌های کمیته حقوق بشر در مورد آن‌ها هم‌بینی به سازمان
دارند. مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی، ویژگی‌های حق
آکامی از دلایل بسیاری و نوع انتها و حق حضور فوری نیز قاضی با مقام مجاز به اعمال
اختلافات قضایی، مواردی هستند که در این نوشته به بررسی می‌گردد.

کفتنار اول: مفهوم حق آزادی و امنیت شخصی
الف - زمینه تاریخی
در ماه 3 اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق آزادی و امنیت شخصی با بیان کلی اشتهار
شد است. در این ماه تعطیلی از حق آزادی و امنیت شخصی به عمل نیامده و به مصادیق از
این حق نیز اشاره شده است. (کریه) از مصوبه این اساس بنی‌المللی حقوق بشر، ص 89. بنابراین تا پیش از
تصویب کنوانسیون اربیا حقوق بشر در سال 1950 (عمرانسند 134/ص 132) و مفاد بنی‌المللی
حقوق مدنی و سیاسی در سال 1966 در تعیین حق آزادی و امنیت شخصی ابهاماتی وجود
داشت. متعاقب تصویب دو سند یاد شده، رفتار رفت به مصادیقی از حق آزادی و امنیت
ب- برداشت کمیسیون (سابق) و دیوان اروپایی حقوق بشر

برای نهادهای استراسبورگ، از دهه 1970 فرق مساحت مقامی آزادی و امنیت شخصی، به شرح مدرج در ماده 5 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، فراهم بوده است. معمولاً، از تصمیم کمیسیون (سابق) اروپایی حقوق بشر در قضیه‌ای به نام Agee علیه بریتانیا و تری اطلاعات، نظر کی در قضیه دیوان (Agee v. United Kingdom Application 7050/75.)

اروپایی حقوق بشر به نام Jan Mayer می‌تواند بر اینکه امنیت شخصی فقط به این معناست که هیچکس نمی‌تواند وارد به این محاوره افرادی آزادی خودش بگردد. تاریخ گذشته کمیسیون مذکور امنیت شخصی مستقل نیست و در معنای عادی، آن باید حق حفظ سلامت جسمانی در مقابل همه‌های غیرقانونی را استثبات کرده است. اما به نظر می‌رسد که دیوان اروپایی حقوق بشر در دهه 1990 به سوی برداشت متفاوت گام برداشتی است. از آن جمله، دیوان در دو اجالان علیه ترکیه یازبانیت فردی در خاک کشوری دیگر بدون اخذ رضایت قبلی دولت مربوط را نقض حق امنیت شخصی تلقی کرده است. یازبانیت یک فرد نتوسط مقامات یک دولت در خاک کشور دیگر و بدون جلب رضایت آن نقض حقوق فردی مربوط به امنیت موضوع بند 1 ماده 5 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.
ج) دیوان عالی کانادا

در ارتباط با حقوق داخلی کشورها نیز، یکی از متذکر شد که دیوان عالی کانادا در رأی‌ی که در سال ۱۹۸۸ صادر کرد، در چارچوب حق آزادی و امنیت شخصی به موارد تهدید امنیت فردی در غیر موارد سلب آزادی پرداخت و از جمله «میانگین را حقی مربوط به امنیت فردی تلقی کرد و بر این اساس یا آزاد دانستن «سپاه چین» ممنوعیت آن را نقض امنیت فردی قلی‌آباد نمود (Hogg, 2003, p. 198). در این دیوان عالی کانادا دانش‌آموزی یا نوجوانی از توجه این، کشور به تهدید امنیت فردی در غیر موارد سلب آزادی جسمانی بود و از زمینه‌های مساوی برای تعیین موسع‌تر از حق آزادی و امنیت شخصی در سال‌های پایانی دهم حکایت می‌گردد.

د- کمیته حقوق بشر و شناسایی مفهوم مستقل از "امنیت شخصی"

کمیته حقوق بشر، در نظری که در ۱۲۹۰، ۱۹۹۰ ارائه نموده، به تعیین موسعی از "حق آزادی و امنیت شخصی" پرداخت و مفهوم امنیت شخصی را مستقل از مفهوم متعارف سلب مورد شناسایی قرار داد. انگرینی هم در شرایطی که فقط امنیت فردی خارج از سلب آزادی جسمانی مورد تهدید قرار گرفت، با انتظار کار می‌آید و هم می‌تواند در مواردی که همراه با سلب آزادی جسمانی، فرد مورد تهدیدات امنیتی فرآیند استشفاه شود.

کمیته حقوق بشر در سال ۱۹۸۰، با اظهار نظر در قضیه ویلیام ادواردو دلگادو پرز، آلیسه کلمپینا به تعیین فراکر از حق آزادی و امنیت (William Eduardo Delgado paez) وکیل معمول کلمپینا بود که به عنوان «نائب رئیس» اتحادیه معمول می‌شود و متعاقب بر پرونده مادری از سوی مادران آمیتی و مقامات وزارت آموزش و پرورش از آن وزارت خانه اخراج می‌گردد. "دلگادو پرز" چنین به افزایش خود شکایت می‌کند وی به شکایت‌های او نتیجه به‌نتیجه نماید. پرونده بکه تهدید به مورد نیز می‌شود. سرانجام، بار از طرف افراد ناشناس مورد حمله قرار گرفت و یکی از همکاران سابق سپاه با هدف ارعاب عده‌ای به انتقال "دلگادو پرز" کشته می‌شود. چنین وضعیتی، این معمول سابق کلمپینا را نه فقط مجبور به نگهداری خیال قانونی بلکه و فرد آن وادار به فرار از کشور و پناه‌گیری سیاسی به کشور فرانسه می‌کند. دلگادو پرز از دولت کلمپینا، عضو مبنا خانوادگی حقوق مدنی و سیاسی، به دلیل نقض حقوق حاکم در اساس مواد ۱۸، ۱۹،
6

فصلنامه حقوق، دوره 38، شماره 3، پاییز 1387

25 و 26 میانگین به کمیته حقوق بشر شکایت می‌کند. (Ibid Para. 3.1) با آنکه در این قضیه، شکایت مستقلی به استناد ماده 9 میانگین و نقض حق آزادی و امنیت شخصی مطرح نشد، بود ولی کمیته حقوق بشر بررسی شکایت مطرح شده نقض ماده 9 را نیز مورد ارزیابی ویژه قرار می‌دهد. کمیته با توجه به اینکه در مدت ماده 9 نیز در مذاکرات مربوط به تدوین این ماده، دیلی دال بر اینکه حق آزادی و امنیت شخصی باستانی فقط به موارد خاص مورد آزادی محروم است، وجود نداشته است موضوع نقض امینت‌فری آقای دلگادیزرا علیرغم این که آزادی سیاسی وی سلب نشده بود مورد بررسی قرار می‌دهد. (Ibid Para. 5.5) کمیته در بررسی این دعاه از بررسی کلیکی، تأکید می‌نماید که حق آزادی و امنیت شخصی مفهومی فرآیند مصالح سیاسی آزادی دارد. از این رو، هنگامی که امینت‌فری در مواقع غیر از سیاسی تهیه‌گردد، دولت می‌تواند این آزادی، مفهوم نه تنها در مورد سیاسی قرار دهد. (Ibid) بر اساس نظراتی که کمیته حقوق بشر در مورد مفهومی مستقل از امنیت شخصی از سال 1990 تا

2007 صادر کرد، این مفهوم از دو جنبه به شرح زیر قابل بررسی است.

1- سلبه امینت شخصی خارج از موارد بازداشت

همان‌گونه که ملاحظه شد، کمیته حقوق بشر در نظرات متعدد خود و با تأکید بر مفهوم

گسترده‌تر حق آزادی و امنیت شخصی، نقض بند 1 ماده 9 میانگین بین‌المللی حقوق مدنی و

سیاسی را در شرایطی که سلبه آزادی جسمانی نیز به عمل نیامده است احراز کرده و به دلیل

تغییر امینت‌فری، حق آزادی و امنیت شخصی را نقض شده تلقی کرده است. یکی از این نظرات در فضای دعوای دلگادیزرا علیه کلمبیا صادق و مشابه شد است که به اختصار به این اشاره شد. علیه Carlos Dias

در دعاوی مشابه دیگر، از جمله در دعاوی «کارلوس دیاک» (Dias v. Angola, case No. 711/1996, para 2.9) و «پا در دعاوی دروگرگنگو» (Chongwe v. Zambia, case No. 821/1998, para 2.1) علیه زامبیا (Rodger Chongwe)

حقوق بشر در شرایطی تنها ترکیبی از هم‌مانند وضعیت دعوای دلگادیزرا علیه کلمبیا و اینکه به مفهوم گسترده‌تر

حق آزادی و امنیت شخصی، نقض بند 1 ماده 9 میانگین با دلیل تغییر امینت‌فری، با وجود

اینکه سلبه آزادی جسمانی صورت نگرفته بود، احراز کرده است.
2- تهديد اميتي شخصي بازداشت شدکان

كميت حقوق شخصي در پاراي موارد، علالاه بر برينس موضوع سلب آزادي جسماني و
راعیان قواعد حق آزادي شخصي، به طور مستقل، به برينس ساير تهذيبات موجه اميتي
فرديل بازداشت شده نيز پرداخته است. در بين موارد شرایط بازداشتگي، به گونه‌ای که فرد
محبوب مورد تهذيب اميتي، فراز از سلبي آزادي نيز قرار گرفته است. بدین معنا که بازداشت
شدگان هك به طور طباني آزادي اش به مخاطره افتاده است به دليل شرایط وپزشکی که
بازداشتگاهاي واژعه و با رفتار خاصي که یا و صورت گرفت اميتي، فردی کيش بيشتر از افرادي
كه بازداشت آنها در شرایطي عادي بوده، مورد تهذيد واقع شده است. از جمله مي‌توان به
نظرى که كميته در 5 سپتامبر 2006 در مورد شکایت ساندرا آرچچيجي (Sundara Arachchige)
عليه سريلانكا ارائه نموده است اشاره كرد: در اين قضيت، علالاه بر اين که كميت به مواردی در
پيونرد با نقض حق آزادي و اميتي شخصي در مفهوم متعارف آن مي‌پردازد، موضوع نقض حق
اميتي شخصي در مفهوم مستقل آن را نيز بيرسي مي‌كند. كميت اظهار مي‌دارد: با توجه به
اميتي، نشور مورد نظر، رفتار مأموران پلیس قرار گرفته است و
نور آن مأموران از شاكي در طول دوران دستگيری به مورد نظر، تهذيبات اميتي که موجه وی
بود. حاصل، نشور مأموران نقض حق اميتي شخصي در مفهوم مستقل آن در مورد شاكي محجر
در نظرى (Arachchige Lalith RaJapanese V.Srilanka,case No.1250/2004, para 9.7)
كرده است. (7)

ديگر كه كميت حقوق بشر در تاريخ 14 ماه 2007 در مورد دعو اي فيليپ آفنسو نجرو
(Philiph Afuson Njaru)
عليه كامرون صادر كرده است، نقض حق اميتي شخصي در مفهوم مستقل آن به دليل تهذيد به
مرگ و تهذيد به شکنجه افسون نجري در دوران بازداشت احراز شده و كميت از اين رو پر
با (Afuson Njaru V.Cameroon,case No.1353/2005,paesa 6.3)
توجه به امر برسيد که از نظرات كميت حقوق بشر به عمل امد، مي‌توان گفت كه مفهوم
مستقل "حيد اميتي شخصي" داراي مصادقي هم جون جلسياري از هيد اميتي افراد به
وسيلة مأموران دولتي و يا تحديد دولت به انجام اقدامات متعلقي برای حفظ امنيت افراد وبژه
در ارتباط با شرایط بازداشت‌گاها است. ضمن اين، که اگر به نظرات كميت حقوق بشر، رويه
قضایي برخی کشورهاي غربي همانند کانادا نيز افزوده شود، اين تيجي حاصل مي‌گردد كه
مفهوم مستقل حق اميتي شخصي مصادفي مانند حق افراد قبلي سلطان و كنترل جسماني خود را
نيز درديمی کيرد (Dickson,1999, p.148)
كتفان دوم: ويزغي هي حق آغاً، از دلیل دستگری و نوع اتهام

بر اساس بنده 2 ماده 9 مبناً بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر کس دستگیر شود باید در موقع دستگیری شدن از جهات (علت) آن مطلع به و در اسرع وقت اختیارهای داشته باشد که وضعیت اتهام که به او نسبت داده می‌شود دریافت دارد.

حق آگاهی از دلیل دستگری و نوع اتهام، ویزگ‌هایی دارد که کمیته حقوق بشر به تفصیل به آنها پرداخته است. در این گفتار با بهره‌گیری از نظرات کمیته حقوق بشر، ویزگ‌های حق باید شده، یعنی سرعت در تفهیم اتهام و تفهیم دقيق و كامل اتهام، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- تسريع در تفهیم اتهام

کمیته حقوق بشر در نظرات خود بر اینکه ضرورت دارد تا آگاهی از دلیل دستگری به سرعت به عمل آید. تأکید کرد هر است. از جمله در نظری که کمیته در مورد شکایت بحرالدین کوریونوف (Bakhridin Kurbonov) در تاجیکستان در ۱۶ مارس ۲۰۰۶ اظهار کرده، تصريح شده است که تعلیق در تفهیم اتهام به منظور که ۲۱ روز در بازداشت به سر برده و سپس آزاد گردیده، نقض بنده ۲ ماده ۹ مبنا به شمار می‌آید (Bakhridin Kurbonov v. Tajikistan, case No. 1208/2003, para 6.5).

ب- تفهیم دقيق و كامل اتهام

کمیته حقوق بشر در نظرات و گزارش‌های خود به تفصیل به ویزگ‌های لازم برای تفهیم دقيق و كامل اتهام پرداخته است. کمیته در این راستا در نظری که در مورد شکایت آدولفو درپره کالاس (Adolfo Drescher Caldas) (Drescher v.Uruguay,case No.43/1979,para,13.2) و شکایت ويلي ونکا ایلمبی و نسی لندوی (Willy wenga Ilombe and Nsil Luanda shanda) (Ilombe and Luanda Shanda v.the Democratic Repobic of cengo,case No.1177/2003, para, 6.2)
وه محدد في قانون قضائي يمكن من خلاله حماية حقوق الإنسان والمجرمين في حالة من عدم ربط النشاطات الامنية بجانب مجريات métier. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.2)

3- في حالة أن يكون الشخص غير مرتبط بالأنشطة الأمنية، يمكن للأفراد مطالبة المحكمة بالإفراج عنهم، بإذن من المحكمة العليا، ولا يمكن محاكمتهم إلا في حالة أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.3)

4- إذا كان الشخص مرتبطًا بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة، يمكن للأفراد مطالبة المحكمة بالإفراج عنهم، بإذن من المحكمة العليا، ولا يمكن محاكمتهم إلا في حالة أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.4)

5- إذا كان الشخص مرتبطًا بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة، يمكن للأفراد مطالبة المحكمة بالإفراج عنهم، بإذن من المحكمة العليا، ولا يمكن محاكمتهم إلا في حالة أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.5)

6- إذا كان الشخص مرتبطًا بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة، يمكن للأفراد مطالبة المحكمة بالإفراج عنهم، بإذن من المحكمة العليا، ولا يمكن محاكمتهم إلا في حالة أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.6)

7- إذا كان الشخص مرتبطًا بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة، يمكن للأفراد مطالبة المحكمة بالإفراج عنهم، بإذن من المحكمة العليا، ولا يمكن محاكمتهم إلا في حالة أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.7)

8- إذا كان الشخص مرتبطًا بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة، يمكن للأفراد مطالبة المحكمة بالإفراج عنهم، بإذن من المحكمة العليا، ولا يمكن محاكمتهم إلا في حالة أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.8)

9- إذا كان الشخص مرتبطًا بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة، يمكن للأفراد مطالبة المحكمة بالإفراج عنهم، بإذن من المحكمة العليا، ولا يمكن محاكمتهم إلا في حالة أن يكونوا مرتبطين بالأنشطة الأمنية، إلا إذا كان ذلك لحساب الأمن العام، وفقاً للقانونenu2014بمعنى أنه يتلقى دعمًا من الحكومة. (Citing From the Human Rights Committee, 1997, para 9.9)
لمكننا قابل توجه ابن كه مقام مجاز به اعمال اختيارات قضائيًا من همته ناظر به قضات

ديوان اروپايي حقوق بشر در قضيه قيس سريس

منظور قرار داده است:

1 - قاضي با هر مقام مجاز ديگري باید از استقلاي و بيطرفي نسبت به اصحاب دعا و نیز قوه مجري بخرودردار باشد;

2 - قضاfollower و مقامات مذكور باید شخصاً امکان استحاق نازک را که نزو که أورده سه داشته باشد;

3 - و سرناجاح که این قضات و مقامات باید از اختيارات لازم جهت بررسی ديگره که متواند به بازاداشت نظير مجز مجز بخرودردار باشد و در صورت فقد دلیل موجه دستور آزادی می‌توان با مقطون را صادر کند.

با عيانی به مطالب فوق و با توجه به ابن که در کانونی بنی، در کشور سویس دادستانها مستقیماً از سوی میدان انتخاب می‌شوند و از استقلال و بی‌طرفی لازم بوده، نسبت به قوه مجری بخرودردارن لذا دیوان اروپایی حقوق بشر اتخاذ تصمیم مبنا بر بازاداشت نظیر از سوی چنین دادستانی‌ها تا متفاوت با ندسته است.

(CEDH, 4 دی 1979 aff.Schisser c/ Suisse, serie A n°34.)

با توجه به آنچه بیان شد، اکنون این موضوع بررسی می‌گردد که منظور از حاضر کردند استقری مهربان در اسرع وقت بی‌یست و به بیانی دیگر ضابطه دادگستری حداکثر تا چه زمانی متواند باید با توجه نظیر را بسیار دهم. در ونهبه دوم نیز به این مسئله پرداخته می‌شود که که محکمی می‌تواند در مورد بازاداشت با آزادی می‌تواند تصمیم بگیرد.

الف - طول مدت تحت نظر

در بند 9 ماده 1 مبناي بين الالي حقوق مدني و سياسي، مدت مشخصي برای حضور مرتئ به دستگير شده در نزد مرجع قضائي تعین نشد است. اما کمبود حقوق بشر در تفسير کلي شماره 8 خود و نیز در نظرات کونگول، موضوع حداکثر مدتی که باید می‌تواند دستگیر شده در بربر مرجع قضائي حاضر گردد و یا به عبارتي حداکثر مدت تحت نظر را مورد بررسی قرار داده است.

کمیته حقوق بشر در "تفسير کلي" شماره 8 خود که در مال 1982 صادر کرده است، بدلون اینکه به زمان معینی اشاره نماید تأکيد می‌کند که حداکثر فاصله از زمان دستگیری یا حضور در بربر مرجع قضایی، باید از چند روز تجاوز نماید (committee’s general comment. No.8,Para 2)
روهی کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی

اًمنا در "نظرات" کمیته حقوق بشر، توضیحات بیشتری درباره حداکثر مهلت ممکن برا
حراض ساختن ممکن استگندری شده در برای مرجع قضایی ارائه شده است. از جمله در نظر گرفت کمیته در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۴ در مورد شکایت خانم ماریا ترن جیون
به اکوادور اراپیکه است. دستگیگر خانم جیون برای پنج روز
بدون حضور در مرجع قضایی به عنوان نقض بند ۵ ماده ۹ بیانیه دانسته شده است.

برای حاضر شدن در مقاله مرجع قضایی را تا هفتم و دو ساعت و در یک نظر نیز این مهلت
را تا حداکثر ۴۸ ساعت دانسته است (آیسپر ۲۰۰۰، PP.۲۲۲-۲۳۳).

ب- مرجع صلاح تصمیم گیرندگان در باره آزادی یا بازداشت ممکن بستگی شده

همانگونه که پیشتر بیان شد، ممکن است به وسیله ضابطان دادگستری، دستگیگر گردیده و
تحت نظر قرار گرفته، باید در اسرع وقت در برای قضایی ممکن که مجاز به اعمال اختیارات
قضایی است، حاضر گردید. قضایی ممکن که مجاز به اعمال اختیارات قضایی است، باید در
مورد وضعیت ممکن به وسیله ضابطان دادگستری، دستگیگر گردیده و تحت نظر قرار گرفته،
تصمیم گیری نموده و یا از آزادی یا بازداشت تأیید یا حتی قرار بازداشت وقت را دارای

یا صادق نماید (۱۲۵۳، صص ۲۳۶-۲۰۳۰۲۳۰، مقام قضایی که در مورد آزادی یا بازداشت ممکن
تصمیم گیری می کند باید از ویژگی هایی هم جوش: استقلال، ضرط و صلاحیت برخودار
باشد. با این وجود، در بسیاری از شکایت های دادستان یا بای بلاستس که ازار استقلال و بی ضرط
لازم هستند (آدری، مس.۵۳۲.۱۳۲۹ م.۵۴۲). در مورد آزادی یا بازداشت ممکن تصمیم گیری می نمایند. این
موضوع سیاست کیفی نوین و با اصول استقلال و بی ضرط قضایی در تضاد بوده و همین
امور موجب بسیاری حق بازداشت ممکن از دادسر یا ببه بهزی دادستان و پدیدار شدن مراجع نوین
صاحب سلاحیت (قضایی آزادیها) و بازداشت در فرآیند و بازداشت در انتظار بازداشت
تاریخ قرار بارزداشت شده است. (منابع) در این بند در دو قسمت انتقادات نظر بر حق
بازداشت ممکن به وسیله دادسر (دادستان و بازپرس) و نیز موضوع ایجاد مراجع نوین برای
صدور قرار بازداشت بررسی می گردد.

۲- انتقادات ناظر بر بازداشت ممکن به وسیله دادسر

دادسر مرجعی است که عهدهدار تعقیب ممکن است. چنین مرجعی در حقیقت طرف دعا
به شمار آمده و بی ضرط قرار گرفته را که شایسته مرجع صلاحیت داربرای صدور قرار بازداشت است
را تدارکه. از طرفی دیگر دادسر در بسیاری از کشورها، فاقد استقلال لازم در برای قوه مجردی
بویه و بنابراین مرجعی علی‌رغم طرف‌های ثانیه در مقابل شمار می‌آید که صلاحیت آن برای صدور قرار بازداشت مردود تلقی شده است. افزون بر مواردی که بیان شد، در بسیاری نوین کیفی اصلی به نام «تساوی سلاح‌ها» (Equality of arms - L'égalité des armes) نیز پدیدار گردیده است. بر اساس آن اصل، هر دو در دادستان به عنوان طرف دعا به مطابقی دیگر دعا است. حقوق نسبتاً یکسانی برخورد بر پایه اینکه که هر یک از اصحاب دعا بدست امکان معقول طرح و اراوه در دعاخود را در دادگاه شرایطی داشته باشد که او را نسبت به طرف مقابل خود، به گونه‌ای محضوس، در وضعیت نامسینتری (تاریخی) قرار دهد.

(CEDH, 26 oct 1993, Domba Beheer. BV, C/pays Bas, serie A, no 274).

با این حال، با توجه کرد که تساوی سلاح‌ها نیاز به معنای برخوردی شکایا که به عنوان از همه امکانات دادستان (از قبیل استفاده از ضابطان دادرسی و غیره) تلقی و تعبیر شود، به عبارت دیگر، ضرورت رعایت برابری بین طرفین دعا به معنای برای این استفاده از همه وسایل، منابع و امکانات نیست. اما به‌همین دلیل است که اعطای حقوق بازداشت به دادستان می‌تواند با دادیان در ناسازگاری آشکار با اصل تساوی سلاح‌ها قرار داشته و پذیرفته نیست (نوری).

هم اکنون به صلاحیت دادسا (اعظم از دادستان، دادری با بازپرس) برای صدور قرار بازداشت انتفادات زیادی وارد است. کمیته حقوق بشر نیز به انتقاد از اختیار دادسا در بازداشت مثنی پرداخته و در نظرنگاهگیری، اختیار دادسا برای بازداشت مثنی را مطابق با بنده 3 ماده 9 مبتنی بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانسته است:

کمیته حقوق بشر برای اولین بار در سال 1996 بر عدم صلاحیت دادسا برای صدور قرار بازداشت تأکید کرد. کمیته در این مورد در نظرنگاه که در 22 مارس مورد عدوان ثبت شده و در سال 1997، علیه مجازات یداره می‌نماید، تفسیر بند 3 ماده 9 مبتنی را به دلیل تایید قرار بازداشت آقای کولومین به وسله دادستان احراز می‌کند.

(Kulomin V. Hungary, case No.541/1992, para 11.3)

در بند 3 ماده 9 که صلاحیت بازداشت مثنی‌می‌شود، با پایتخت مدافع، متقاضی مستقل، مืน و فیضی طرف باشد اما دادستان که بازداشت آقای کولومین را تایید کرده است ودید با شرایطی نبوده است. بنابراین، کمیته حقوق بشر به انتقاد موجه، به تفسیر بند 3 ماده 9 در مورد بازداشت کولومین اظهار عقیده می‌نماید. کمیته حقوق بشر به نظریه دیگر که به تاریخ 1 تیر 1385 یا پیش از شکایت آن‌ها، بلانژنوف (Andrei Platono) علیه روسیه، اعلام می‌کند بر نقض حق آزادی و امنیت شخصی آقای بلانژنوف تأکید کرده و بر ناهماهنگی
روهی کمیته حقوق بشر در حامیت از حق آزادی و آموزش شخصی

شرایط ناظر بر بازداشت پلئتونوف با مقررات ممنوع در بند ۳ ماده ۹ میثاق تصریح می‌ورزد. در این پرونده، پلئتونوف با دستور مرجع تحقیق در ۲۲ فوریه ۱۹۹۹ بازداشت شده و متعاقباً بازداشت توسط دادستان تأیید می‌گردد. در چنین شرایطی، کمیته نظر می‌دهد که باساز
بنده۳ ماده ۹ میثاق هر کس به اینجا جرمی بازداشت گردید باید در برابر قاضی بالا مقام که به موجب قانون مجاز به ععمال اختیارات قضایی باشد، حاضر گردد. از دیدگاه کمیته، ماهیت مقام دارای اختیارات قضایی به گونه‌ای است که این مقام باید مستقل، غیر واپسین و بی‌طرف در ارتباط با موضوع پرونده باشد. کمیته با این امر نیز در خلاف تأیید کننده قرار بازداشت. مورد شکایت یاد کرده، کمیته نظر می‌دهد که مصاحبه‌های بازداشت دارای اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف دانست و این در حالت است که مقام مجاز به ععمال اختیارات قضایی که در بند ۹ ماده ۹ میثاق که نمی‌توان مقام غیرواپسین و بی‌طرف Darda Academy of Science, case No. 1218/2003, Para. 7.1

کمیته حقوق بشر در نظر دیگری نیز به صراحی دخالت دادستان در تأیید قرار بازداشت را مغالب با بند ۳ ماده ۹ میثاق می‌داند. از جمله در نظری که کمیته به تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۰۶ در مورد شکایت بوریا باندا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) در مورد شکایت بوریا باندا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) در مورد شکایت بوریا باندا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) در مورد شکایت بوریا باندا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) در مورد شکایت بوریا باندا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) در مورد شکایت بوریا باندا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) در مورد شکایت BandaJeVsky v.Belarus, case No. 1100/2002, Para. 10.3

ارتباط در ۲۰ مارس ۲۰۰۷، کمیته حقوق بشر در مورد شکایت بوریا جیوسکوف (Yuri Banda jevsky) در مورد شکایت بوریا BandaJeVsky v.Belarus, case No. 1100/2002, Para. 10.3

در نظر دیگری نیز که در این مجموع، می‌توان گفت که با الهام از رویه کمیته حقوق بشر، می‌توان مقامات دادسرای اداره استقلال و بی‌طرفی‌های روزی آموزش میثاق ماست. کمیته بار دیگر بر عدم صلاحیت دادستان برای ایفای نقش مقام دارای اختیارات قضایی ممنوع در بند ۳ (Ashurov v. Tajikistan, case No. 1348/2005, Para 6.5) ماده ۹ میثاق تأکید کرده است. (5)
مقام صلاحیت‌دار قضایی مدرج در بند ۹ ماده ۹ مبنای بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای صدور قرار بازداشت مثبت و یا تعیین آن هستند.

۲- اجاد مراجع نوین برای صدور قرار بازداشت

کمیته حقوق بشر با تصمیم بر ضرورت سلب اختیار بازداشت مثبت همکاری دادستان، برای تأمین مراحل مربوط به حوزه فعالیت‌های استقلال و برخورداری باشد در صدور قرار بازداشت تأکید کرد. این نمونه‌ای از مراجع که بعدها مورد نظر کمیته حقوق بشر مهاجرتی دارد، "قانون ازدواج و بازداشت" در حقوق کیفری فرانسه است. در این کشور بر اساس اصلاحاتی که در قانون این‌که در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۳ انجام گردیده، اختیار بازداشت مثبت از بازپرس (قانون تحقیق) سلب و به مقدار کامل مستقیم و بطرف داده می‌گردد. این "قانون ازدواج و بازداشت" اعطا شده است. این مرجع قضایی در صورت درخواست بازپرس (قانون تحقیق) مثبت برای بازداشت برای ازدواج مثبت تشکیل می‌دهد. در این جلسه که به صورت ترافیکی و غیر عمل برگزار می‌شود، قاضی ازدواج و بازداشت، دایگاه‌های دادستان، مثبت و وکیل مدافع وی و در صورت ضرورت نظرات قاضی تحقیق را استماع کرده و سپس نسبت به آزادی یا ضرورت بازداشت وقت مثبت می‌گیرد.

(ماده ۱-۱۳۷۱ ق.ا.د.ک.ف) و با استفاده از جانشین‌های بازداشت در مورد وی تصمیم گیری می‌نماید. (انری، ۱۳۸۴، صص. ۱۸۱-۱۸۷)

با اصلاحاتی که در نظام دادرسی کیفری فرانسه صورت گرفته است، در وله اول دادستان نقش واقعی و ترافیکی حاصل داده‌شده برای بازداشت مثبت و شاگرد را بی‌پناه کرده است. در وله بعدی یک تصمیم غیربین در مورد آزادی یا بازداشت مثبت، بر عهده مرکز متعلق و بطرف نهاده شده است. مرجع که برای دیدگاه‌های کمیته حقوقی بندر به مورد ویژگی‌های محقاق قضایی صلاحیت‌داده و قرارداده در پیشنهاد شده در بند ۹ ماده ۹ مبنای بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که پیشنهاد می‌شود و نیز استمرار و تعیین آن اخبار تصمیم می‌گیرد (انری، ۱۳۷۵، ص صص. ۱۸۳).
نتيجةً كيري

1- بموجب نظرات نيته حقوق بشر في حقوق الإنسان نتائج كيلي شمارة 8 أي كيمياء متنوعة
به موارد ذيل به عنوان مهمتر تكامل كه من بريطولة حقوق بشر و حماية
شجاعة كيمياء متنوعة أشار كر: كه

يمكن من نظرات حقوق بشر حق امتيني شخصي جدئ من نظره متعارف آن كه
در بندية 13 من مادة 9 مثلاً حقوق حقوق مدنية و سياسة، من أن آثار كروم أنه
قارن أو سلأ آتيد حقوق جنسيته، و من نظره مستقل برغوردار است. بدلاً من
معاً كه حقوق بشروراز يا فارغ من سلأ آتيد حقوق جنسيته بابد من نظر قرار داد.
بر اين نظرات غا ممكن است اصولاً سلأ آتيد حقوق جنسيته به عمل تثبات على امتيني فرد.
كسي كه بذارياست يا سโปรير نكرديه دجاجة تهديد شود، في نحن شراطي حق آتيد و اميتي
شخصي من نظره متعارف آن نفس شده است. هم نحن كم كان دارد سلأ آتيد حقوق جنسيته
نير به عمل أمده باشد و افرون بر اين، رفكار خاصي يا بذارياست شده صورت غرفه باشد كه
وي فرايت من موضوع سلأ آتيد يا دجاجة تهديد آميتي گرده. برای نموته بذارياست شدهاي
تهديد به مرك يا تهديد به سكنتجه شود، في نحن شراطي نير نفس حق امتيني شخصي در
نظره مستقل آن محصر است.

2- آگاهي از لابيل دستگير كه و نوع اتهام بياستني به سرعت اجسام شود و بهم با مظنون
 بدون درک و يا في اولين فرصت ممكن از لابيل دستگير كه نوع اتهام خود متعلق گردد.

3- تفهم اتهام به به تهري دستگير شده بابد نقیق و كامل باشد و أن بدون معا است كه فرد
دستگير شده بايد از مقتره قانوني كه بهم به نفس آن شده و ماهيت شكايتی كه متوجه وي
است به طور دقیق آگاه گرده و باندن كه ماده، تصرح يا بند قانوني كه ام تهري به نفس آن شده
کدام است. هم نيرن ضرورت دارد كه ماده قانوني كه فرد به اتهام نفس آن دستگير شده و
نير آن نير به عنوان اتهام به ولي تفهم گرده است، در پرگردنه تعريفی مشخص و روش
از عمل مجرمته باشد.

4- هر تهري دستگير شده بايد في برابر مرجع قضایی حاضر گرده و تحت نظر گرفتن
منهجان به وسيله ضابطان دادگستری حداکثر تا 48 ساعت تحویل نشده است.

5- صدور و تایید قرار بذارياست به وسيله مقامات دادسرا (اعم از دادستان و بازرس)
مغایر به مقترنات میثاق است و ضرورت دارد تا مرجعي قضایی كه از ویژگیهای استقلال و
بطرقی برخورد وارد است در صدور يا تایید قرار بذارياست نقش داشته باشد. همانگونه كه
ملاحظه كنيم كه حقوق بشر في نظرات گوناگون خود تصریح كرده است كه دادستان را
نمی‌توان مقام قضایی صلاحیت‌دار مندرج در بند ۳ ماده ۹ میان‌بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و به بیانی دیگر مرجع صالح براح صدور یا تأیید قرار بزداشت دانست.

منابع و مآخذ

الف - فارسی

1. آذری، محمد (۱۳۸۷). عدلات کیفری، تهران: گنج دانش.
2. آذری، محمد (۱۳۸۷). حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
3. آذری، محمد (۱۳۸۷). آبنام، داد، کیفر چ. ۲. تهران، نیمی.
4. آذری، محمد (۱۳۸۷). تأمینات در حقوق تطبیقی، به قلم ایرج، ج. ۴. تهران، نیمی.
5. آذری، محمد (۱۳۸۷). مجموعه مقالات در تجلیل از ایالت در کنار محمد. تهران، نیمی.
6. هدایایی، محمدعلی (۱۳۸۴). اقدامات تحت نظر "علم چیبا" مجموعه مقالات در تجلیل از ایالت در کنار محمد. تهران، نیمی.
7. آذری، محمد (۱۳۸۷). مجموعه ایالتی حقوق بشر "ایالت منطقه‌ای". تهران، نیمی.
8. مرکز مطالعات حقوق بشر (۱۳۸۷). گزیده‌ای از مهم‌ترین ایالتی حقوق بشر. تهران، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ب - خارجی

1- کتاب‌ها


2- مطالعات

1- Case No. 43/1979, Drescher v. uruguay, adopted on 21 July 1983, document CCPR/C/19/D/43/1979
رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از حق آزادی و آمیت شخصی

17


2- سایر اسناد

1- Human Rights committee, general comment no. 8: right to liberty and security of person (art.9), 30/6/82
2- Human Right committee, concluding observation of the Human Rights committee; Sudand, CCPR/C/79/ Add. 85, 19/11/1997

از این نویسنده‌ها تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"به لحن پرداخت خسارت به بعضی از متضررین از جرم از طرف دولت، قانون 11 مه 1977 جمهوری فدرال آلمان، سال 55، شماره 20، "اصلاح برات و آثار آن در امور کیفی" سال 42 شماره 79، "بستگی دیگری از جرم و تحویل آن در دعاوی کیفی" سال 64 شماره 4، "صلاح مقررات آین‌دادگی کیفی در چین"، سال 67، شماره 24، "لایحه کل همايش بين المللی موانع مدرک تهران ارگوشت" سال 1379، شماره 79، "گروه مخالف به پدیده همسکنش در استان فارس"، سال 68، شماره 81."